

مروری بر مقاله مسئله تاریخ‌گذاری قرآن‌های کهن*

Grohmann, Adolf, "The Problem of Dating Early Qurans", *Der Islam*, 33, 1958, pp. 213-231.

چکیده: گروهمن پاپیروس‌شناس اتریشی است که مسئولیت مجموعه پاپیروس‌های شرق در کتابخانه سلطنتی اتریش را به عهده داشت. وی در مقاله‌ای مسئله تاریخ‌گذاری قرآن‌های کهن را به رشته تحریر درآورده است. گروهمن در مقاله مذکور با اشاره به چاپ قطعه قرآن‌های موجود در کتابخانه واتیکان توسط ویدا در ۱۹۴۷ به داغ بودن بحث تاریخ‌گذاری نسخه‌های خطی کهن قرآنی اشاره می‌کند. نویسنده در نوشتار حاضر مروری بر مقاله وی و محتوای آن دارد.

کلیدواژه: تاریخ‌گذاری، قرآن‌های کهن، نسخه‌های خطی، قرآن، نسخه‌های خطی قرآن، گروهمن.

گروهمن با اشاره به چاپ قطعه قرآن‌های موجود در کتابخانه واتیکان توسط ویدا در ۱۹۴۷ به داغ‌بودن بحث تاریخ‌گذاری نسخه‌های خطی کهن قرآنی اشاره می‌کند. وی در این مقاله نشان می‌دهد که دستیابی به مدارک جدید مانند نسخه‌های قرآنی در مجموعه جورج میکائیلیدس در قاهره، پوست‌نوشته‌های قرآنی در کتابخانه قاهره و پاپیروس یافت‌شده در خربة المرید در فلسطین تا چه اندازه می‌تواند در حل این مسئله مؤثر باشد.

خطی میان سبک کوفی کتیبه‌ای و خط شکسته، خط مغربی. گروهمن مهم‌ترین مشکل تاریخ‌گذاری نسخه‌های کهن را این می‌داند که نسخه‌هایی که مشخصاً تاریخ‌گذاری شده باشد و بتواند مبنایی در تاریخ‌گذاری سایر نسخ قرار گیرد، بسیار اندک است. تنها یک نسخه تاریخ‌دار از قرن اول در ایران و دو نسخه از قرن دوم و هفت نسخه از قرن سوم وجود دارد. البته بنا به نظر کراچکوفسکی باید قرآن سمرقند را هم متعلق به قرن اول دانست.

گروهمن به تلاش‌های متخصصان خطوط باستانی مانند لیندبرگ، مولر، سیلوستر، رایت، موریتس، تیسرانت و برگستربر برای تاریخ‌گذاری نسخه‌های کهن قرآن که از سال ۱۸۳۰ آغاز شده اشاره می‌کند. در این میان تلاش موریتس که در کتاب کهن خط شناسی عربی، بخش مهمی را به نسخه‌های قرآن اختصاص داده شایان توجه است. پژوهش مختصر و بنیادی برگستربر روی خط نسخه‌هایی از چهار قرن نخست که کلاً از هشت صفحه و ده عکس تشکیل شده نیز بسیار مهم است. به گزارش وی نسخه‌های تاریخ‌دار بیشتر بعد از قرن سوم مشاهده می‌شوند و سه نوع خط قابل شناسایی است: خط کوفی کتیبه‌ای،

وی سپس به تفاوت دیدگاه‌ها در تعیین تاریخ کهن‌ترین نسخه‌های قرآن اشاره می‌کند و اظهار نظر می‌نویس که جعلی دانستن همه نمونه‌های قرآنی کهن را شگفت‌انگیز و نیازمند بررسی بیشتری دانند. مینوی از نسخه خطی فهرست ابن ندیم به شماره ۳۳۱۵ در موزه چستریتی، بسمله‌ای را به عنوان نمونه‌ای از خط مکی. مدنی می‌آورد و آن را خط شکسته می‌داند و نتیجه می‌گیرد: قرآن‌های کهنی که گفته می‌شود به خط مکی. مدنی نوشته شده در واقع به خط شکسته نوشته شده است که از آغاز دوره عباسی، یعنی قرن دوم تا نیمه قرن هشتم به کار می‌رفت.

گروهمن آن‌گاه خلاصه‌ای از نقدهای عبود بر مینوی را می‌آورد و می‌گوید که مبنای تمام اظهار نظر مینوی، نمونه بسمله در نسخه خطی الفهرست است که عبود تصویر اصلی آن را در اختیار نداشته است. گروهمن با دریافت تصویر این بسمله از چستریتی به بررسی دقیق تمام جزئیات آن می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که:

۱. فهم و ترجمه مینوی از عبارت ابن ندیم درست نیست؛ زیرا ابن ندیم سخنی از انتهای اندکی کج الف‌ها و سرقلاب مانند آنها نیاورده است.
۲. نمونه بسمله برخلاف انتظار با خط کل متن تفاوت چندانی ندارد.

گروهمن به تلاش‌های متخصصان خطوط باستانی مانند لیندبرگ، مولر، سیلوستر، رایت، موریتس، تیسرانت و برگستربر برای تاریخ‌گذاری نسخه‌های کهن قرآن که از سال ۱۸۳۰ آغاز شده اشاره می‌کند. در این میان تلاش موریتس که در کتاب کهن خط شناسی عربی، بخش مهمی را به نسخه‌های قرآن اختصاص داده شایان توجه است. پژوهش مختصر و بنیادی برگستربر روی خط نسخه‌هایی از چهار قرن نخست که کلاً از هشت صفحه و ده عکس تشکیل شده نیز بسیار مهم است. به گزارش وی نسخه‌های تاریخ‌دار بیشتر بعد از قرن سوم مشاهده می‌شوند و سه نوع خط قابل شناسایی است: خط کوفی کتیبه‌ای،

*آدولف گروهمن (۱۸۷۷-۱۹۷۷) پاپیروس‌شناس اتریشی است که در سن ۳۱ سالگی مسئولیت مجموعه پاپیروس‌های شرق در کتابخانه سلطنتی اتریش را به عهده داشت. وقوع جنگ جهانی دوم باعث مهاجرت او به پراگ در ۱۹۲۱ شد. وی در دانشگاه پراگ استاد زبان‌های سامی و تاریخ فرهنگ اسلامی بود. در سال ۱۹۳۰ هزار قطعه پاپیروس را از مصر برای مجموعه وین خریداری کرد. وی اندکی قبل از پایان جنگ به اتریش برگشت. از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۶ در دانشگاه‌های عین الشمس و اسکندریه استاد تاریخ اسلام و باستان‌شناسی بود. از این رو این مقاله با وجود گذشت بیش از نیم قرن، به دلیل تخصص نویسنده و دسترسی او به مجموعه بی‌نظیری از پاپیروس‌ها بسیار مهم است. برای اطلاعات بیشتر درباره وی رک به:

Reinfandt, Lucian, *The Political Papyrologist: Adolf Grohmann*, in: *Sources and Approaches Across Disciplines In Near Eastern Studies*, Edited by Verena Klemm and Nuha Al-Shaar, Leuven, Paris, Walpole, 2013.

این امر با مقایسهٔ بسمله برگ ۱ سطر ۱ با بسمله خط مکی. مدنی در برگ ۳. سطر آخر مشخص می‌شود. لام‌ها و الف‌های قلابدار آنچنان که در بسمله نمونه مکی. مدنی وجود دارد، در سراسر متن نسخه الفهرست بارها به چشم می‌خورد.

۳. تصویری که مینوی از نمونه بسمله مکی. مدنی آورده دقیق نیست. در آن تمام الف‌ها و لام‌ها سرفلابدار دارند، در حالی که واقعاً تنها «لام» الرحمن الرحیم و «الف» الرحمن چنین است و «الف» الله سری ضخیم دارد، مانند مصحف شماره ۷۷ در کتابخانهٔ ملی مصر. دنبالهٔ «میم» در بسم در تصویر مینوی اندکی کج است در حالی که در شکل اصلی مستقیم است و سرانجام دنبالهٔ کشیده و اندکی متمایل «میم» پایانی در الرحمن در تصویر مینوی بسیار کوتاه است. گروهمن تأکید می‌کند باید از چنین اشکالاتی در چنین نمونهٔ خط مهمی اجتناب کرد.

آن‌گاه گروهمن به این پرسش می‌پردازد که آیا این بسمله نمونهٔ خط مکی. مدنی است؟ مقایسه این بسمله با توصیفی که ابن ندیم از خط مکی - مدنی آورده است نشان می‌دهد که دو ویژگی اصلی در الف‌های این نمونه وجود ندارد، یکی تمایل به راست دیگری ارتفاع مشهود است. علاوه بر این سرکلفت و قلاب مانند «الف‌ها» قبل از قرن سوم وجود نداشته است و عمدتاً در نیمهٔ دوم قرن چهارم پدیدار شده که تقریباً همان زمانی است که الفهرست تألیف و نخستین نسخه‌های آن نگاشته شده است.

پس نمونهٔ بسمله در این نسخه هیچ معیاری برای تاریخ گذاری قرآن‌های کهن به دست نمی‌دهد. اما آیا واقعاً هیچ راهی برای تاریخ گذاری وجود ندارد؟

گروهمن در پاسخ به این پرسش تأکید می‌کند که تاریخ گذاری قرآن‌هایی که به خط کتیبه‌ای نوشته شده بسیار دشوار است. برگشترس در توضیح انگیزه‌های گزینش این خط برای نگارش قرآن، تمایز میان کتاب خدا و سایر نوشته‌های غیردینی را یکی از احتمالات دانسته است، اما سبک دوم که برگشترس و دیگران آن را حجازی نامیده‌اند، چون در پاپیروس‌ها هم به کار رفته است، امکان تاریخ گذاری را فراهم می‌سازد. خط حجازی برخلاف خط کتیبه‌ای، یک خط غیردینی است که برای اهداف تجاری هم به کار می‌رفت. بدین ترتیب از نظر گروهمن پاپیروس‌های تاریخ گذاری شده می‌تواند مبنایی برای تاریخ گذاری نسخه‌های کهن قرآنی باشد. گروهمن غیر از پاپیروس قرآنی مشهور «قره» که متعلق به سال‌های ۹۰-۹۶ هجری دانسته شده است، از ده پاپیروس دیگر نام می‌برد که به ترتیب در سال‌های ۲۲ (دو نمونه)، نیمهٔ نخست قرن اول، ۵۴-۵۷، ۵۷-۲۲، ۷۵-۷۵، ۷۵-۶۵، ۸۶-۶۵ (دو نمونه) و ۸۷ تاریخ گذاری شده‌اند.

گروهمن از هشت نسخهٔ قرآنی کهن، مانند ۲۱۶ or در موزه بریتانیا، ۳۲۸ در موزه پاریس و ۱۶۰۵ در واتیکان نام می‌برد و اعتقاد دارد مقایسهٔ این نسخه‌ها با پاپیروس‌های کهن، نشان می‌دهد که می‌توان این نسخ را در قرن نخست تاریخ گذاری کرد. آن‌گاه وی به بررسی پاپیروس شمارهٔ ۳۲ در مجموعهٔ جورج میکائیلیدس در قاهره می‌پردازد. این پاپیروسی عالی به رنگ قهوه‌ای در ابعاد ۱۴/۸ × ۵/۹ سانتیمتر است که در برگ سمت راست آیات ۱۱ تا ۳۸ سورهٔ قمر و در برگ چپ آیات ۱ تا ۳۲ و ۴۵ تا ۵۵ سورهٔ الرحمن نوشته شده است. گروهمن با توصیف وی ویژگی‌های خط این پاپیروس، آن را در قرن نخست هجری تاریخ گذاری می‌کند. یکی از ویژگی‌های مهم این پاپیروس وجود نقطه‌های اعجام است و در یک مورد هم خط تیره برای این منظور به کار رفته است. به عقیدهٔ گروهمن وجود این ویژگی در چنین نسخهٔ کهنی به این دلیل اهمیت دارد که جفری، از قرآن پژوهان برجستهٔ غربی، اصرار می‌ورزد که کهن‌ترین نسخه‌های قرآن فاقد چنین نقطه‌هایی بوده‌اند و وجود این نقطه‌ها را دلیلی بر عدم انتساب نسخه به قرن نخست می‌داند. گروهمن تأکید می‌کند که وجود نقطه در پاپیروس‌های قرن نخست اثبات شده است. باور مهم دیگری که با توجه به این پاپیروس نادرستی آن ثابت می‌شود، این است که جفری وجود نشانه‌های تقسیم بندی ده تایی آیات را نمایانگر این می‌داند که نسخه متعلق به قرن اول و دوم نیست. در این پاپیروس، چنین علامتی بعد از آیهٔ ۵۰ از سورهٔ قمر وجود دارد. وجود این نشانه در این پاپیروس، انتساب چنین نشانه گذاری‌هایی به حجاج بن یوسف یا نصر بن عاصم (۸۹م) در گزارش‌های اسلامی را تأیید می‌کند.

ویژگی مهم دیگر این پاپیروس آن است که از تزئیناتی برای جداسازی دو سوره استفاده شده است: دو خط افقی که سرتاسر صفحه کشیده شده است و داخل این دو خط با خطوطی موجی پر شده است که درون آنها مرواریدهایی رسم شده است. از این رو بخش پایانی مقاله به تزئینات جداسازی سوره‌ها در نسخه‌های کهن اختصاص دارد. ظاهراً کهن‌ترین پوست نوشته‌های قرآنی موجود، عاری از هرگونه نشانهٔ پایان یک سوره و آغاز سورهٔ جدید است و حتی گزارش‌هایی در نكوهش به کارگیری چنین نشانه‌هایی وجود دارد. گروهمن سه مرحله در روند مشخص ساختن دو سوره برمی‌شمرد: نخستین گام قراردادن فاصله‌ای خالی میان دو سوره بود. سپس تزئیناتی ساده مانند دو خط به هم تابیده برای جداسازی به کار رفت. احتمالاً تزئینات نسخه‌های یونانی و سریانی که ابتدای یک فصل یا پاراگراف را بدین ترتیب مشخص می‌کردند، الهام بخش این تزئینات ساده بوده است. در نسخه‌های بزرگ قرآن مانند قرآن سمرقند، نوار به هم بافته‌ای که به زیبایی تزئین شده سرتاسر صفحه را در بر می‌گیرد. به تدریج نام سوره یا مکی و مدنی بودن آن نیز در نوار حفاصل دو سوره ذکر شد و سرانجام شمار آیات سوره هم بدان افزوده شد.

